

# نقش تفاوت‌های فردی بر تصمیم‌گیری‌های حسابداری و حسابرسی

▪ دکتر ابوالقاسم مسیح آبادی  
▪ اعظم پوریوسف  
puryusof@gmail.com

## چکیده

درک این حقیقت که برخی افراد نسبت به دیگران در تصمیم‌گیری موفق‌ترند، توجه شگرفی نسبت به متغیرهای مؤثر بر تصمیم‌گیری ایجاد کرده است. مقاله حاضر با تمرکز بر تأثیر متغیرهای روان‌شناختی در فرایند تصمیم‌گیری نوشته شده است. شواهد قابل اتکایی در خصوص تأثیر متغیرهای روان‌شناختی بر فرایند تصمیم‌گیری موجود است. منظور از متغیرهای روان‌شناختی (تفاوت‌های فردی) در بحث حاضر، شخصیت و سبک شناختی تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و حسابرسی است.

مقاله حاضر فرایند تصمیم‌گیری، ماهیت تصمیمات حسابداری و حسابرسی، کاربرد تفاوت‌های فردی در حسابداری و حسابرسی، ابعاد رفتاری و اطلاعات حسابداری و اهم نظریه‌های مطرح شده را به بحث گذارده است.

## مقدمه

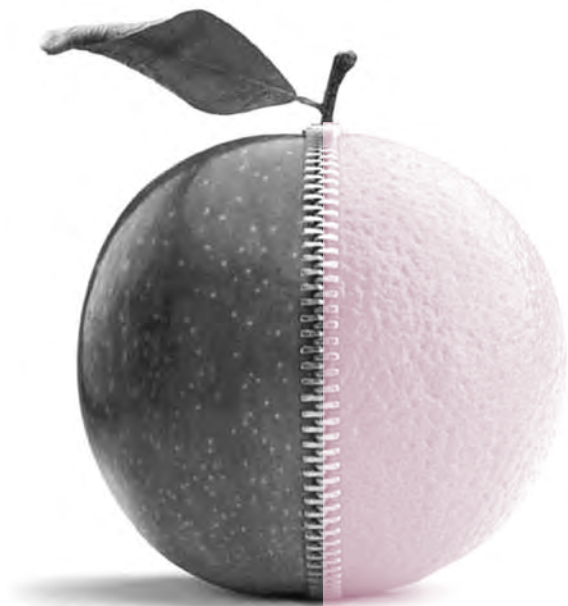
تصمیم‌گیری (وظیفه) برای این قضاوت‌ها را بر حسب دانش فرایندهای مورد نیاز، مد نظر قرار دهد. بنابراین، پژوهش‌ها در این زمینه باید وظایف، دانش موجود تصمیم‌گیرنده و ویژگی‌های سازوکار پردازش اطلاعات را که به وسیله تصمیم‌گیرنده به کار گرفته می‌شود، مشخص کند و نیز به این مسئله توجه کند که چطور این عوامل اثر متقابل دارند. مقاله حاضر مشتمل بر چهاربخش به شرح این مباحث می‌پردازد: کلیاتی در خصوص تفاوت‌های فردی و تصمیم‌گیری، روش رفتاری در حسابداری، کاربردها و مفاهیم ضمنی تفاوت‌های فردی در حسابداری و حسابرسی و استفاده افراد از اطلاعات بر اساس تفاوت‌های فردی.

## ۱) تفاوت‌های فردی و تصمیم‌گیری

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌های مدیریت، بازاریابی و حسابداری نشان می‌دهند که افراد به کمک عواملی مشخص

تصمیم‌گیری بخش مهم و حیاتی سیستم‌های حسابداری و حسابرسی است. برخی افراد نسبت به دیگران در تصمیم‌گیری موفق‌ترند. درک این حقیقت در بیست سال گذشته، توجه قابل ملاحظه‌ای نسبت به متغیرهای مؤثر بر تصمیمات افراد به خود جلب کرده است (Libby & Luft, 1993). این متغیرها در طیفی از متغیرهای فیزیولوژیکی تا متغیرهای روان‌شناختی قرار دارند. توجه به تفاوت‌های فردی بر مبنای مدل رابطه متقابل ویژگی‌های موضوع مورد تصمیم‌گیری و ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرنده، باعث شکل‌گیری رفتار تصمیم‌گیری شده است.

پیترز (Peters 1993)، معتقد است در صورتی نظریه‌های تصمیم‌گیری حسابداری و حسابرسی موجب بهبود عملکرد می‌شوند که در آنها هم وظیفه و هم پردازشگر مشخص شود. هوگارت (Hogarth, 1991) نیز بیان کرده که پژوهش در باره رفتار تصمیم‌گیرنده، باید انواع قضاوت‌ها و تقاضای موارد



به تصمیماتی متفاوت می‌رسند. این عوامل به ویژگی‌های افراد یا دانش مربوط است. منظور از ویژگی‌های افراد در بحث حاضر، همان تفاوت‌های فردی است که از سبک‌های شناخت، سبک‌های انگیزش و شخصیت ناشی می‌شود. عواملی که به دانش مربوط می‌شوند، شامل استعدادها، پردازش، توانایی‌هایی فطری و تخصص یا دانش قبلی هستند. بیشتر پژوهش‌های انجام شده که در زمینه حسابداری و حسابرسی صورت گرفته است، بر سبک شناخت و شخصیت، یعنی دو بعد مهم تفاوت‌های فردی متمرکز شده‌اند.

شخصیت به نگرش‌ها و باورهای افراد اشاره دارد، در حالی که سبک شناخت ترجیحات افراد برای دریافت، ذخیره، پردازش و انتقال اطلاعات را مشخص می‌کند. تأثیر متقابلی که سبک شناخت و شخصیت بر یکدیگر دارند، ممکن است بر تأثیری که اطلاعات حسابداری بر افراد می‌گذارد و اطمینانی که آنها در تصمیم‌گیری خود دارند، مؤثر باشد. اسمیت (Smith, Malcolm 1999) بیان می‌کند که پژوهش‌های صورت گرفته نشان دهنده تأثیر اطلاعات حسابداری بر فرایند تصمیم‌گیری از جمله اظهار نظر حسابرسان است. شواهد، نشان دهنده تأثیر عواملی چون جنس، نوع شخصیت، سبک شناختی، محیط حسابداری و حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری‌هاست. این عوامل در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی کمتر مورد توجه بوده‌اند. بررسی ادبیات تصمیم‌گیری، فرایند زیر را برای دستیابی به تصمیم یا حل مسئله پیشنهاد می‌کند:



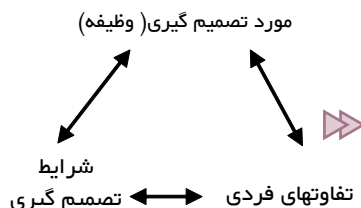
#### نمایه (۱) - فرایند تصمیم‌گیری یا حل مسئله

به نظر می‌رسد که اگر همه افراد اطلاعات را به یک صورت به دست آورند و پردازش کنند، به تصمیمات و راه‌حل‌های

یکسان می‌رسند. ولی بررسی‌های گوناگون در روان‌شناسی، حسابداری، مدیریت، بازاریابی و حسابرسی نشان دهنده این است که افراد در مرحله کسب و ارائه اطلاعات به نتایج یکسان نمی‌رسند.

پژوهشگران دریافته‌اند که اگر تصمیم‌گیرندگان از استراتژی‌های تصمیمی استفاده کنند که متناسب با وظیفه مربوط باشد، کیفیت قضاوت‌ها افزایش می‌یابد. نتیجه برخی دیگر از پژوهش‌ها (Wesley, 1994) در حیطه حسابداری مدیریت بیان می‌کند که مدیران متفکر (دارای سبک شناخت تفکری) در عملکرد قضاوت از رویکرد خطی استفاده می‌کنند و در تصمیم‌های تاکتیکی عملکرد بهتری دارند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین تفاوت‌های فردی و شرایط تصمیم‌گیری رابطه وجود دارد. افراد تحلیلی در وظایف تحلیلی و در شرایطی که مستلزم تشریح فرایندهای منتهی به تصمیم خود هستند، بهتر عمل می‌کنند (شرایط مستدل) و افراد شهودی در وظایف تجربی (مشاهده‌ای) و در شرایطی که ملزم نیستند دلیلی برای تصمیم خود ارائه دهند (شرایط کنترل شده)، عملکرد بهتری دارند. وابستگی متقابل سبک شناختی، شرایط تصمیم و موضوع مورد تصمیم در نمایه (۲) نشان داده شده است.

## عملکرد تصمیم گیری



### نمابه (۲) - مدل مفهومی سه جانبه در کیفیت تصمیم گیری

در صورتی که موضوع مورد تصمیم، شرایط تصمیم و تفاوت‌های فردی حسابرس متناسب با یکدیگر باشند، اثربخشی عملکرد حسابرس افزایش و خطر ارائه اظهارنظر نادرست کاهش می‌یابد.

بلکویی نیز به نقش تفاوت‌های فردی (تحلیل و شهود) بر تصمیم‌گیری اشاره کرده است:

حس کردن مستلزم دریافت اطلاعات از طریق استنباط است و در این فرایند بر جزئیات، زمان، مکان و جنبه‌های عملی تأکید و تمرکز می‌شود. بر عکس، دانش شهودی مستلزم کسب

اطلاعات از طریق تصور و خیال است و بر کل و جنبه‌های آرمانی و رویدادهای مفروض تأکید می‌شود و به دوره‌های بلندمدت توجه می‌شود... اندیشیدن با استدلال سروکار دارد که امری غیر شخصی و رسمی است و با استفاده از عبارت‌ها و اصطلاحات نظری، فنی و علمی (تجربی) بیان می‌شود. از سوی دیگر، احساس منجر به تصمیم‌گیری‌هایی می‌انجامد که بر مبنای قضاوت فردی صورت می‌پذیرند و بیشتر بر ارزش‌های انسانی، مسائل اخلاقی و معنوی تکیه دارد.

### ۱-۱) فرایندهای شناختی

فرایندهای شناختی مجموعه‌ای از فرایندهای ادراک، قضاوت و گزینه‌های تصمیم است که در برگیرنده تبدیل و تعدیل اطلاعات در ارتباط با رفتار تصمیم‌گیرنده در رویارویی با اطلاعات حسابداری است. قضاوت‌های تصمیم‌گیرندگان،

تجزیه و تحلیل و درک آنها از اطلاعات را تعیین می‌کند. گزینه‌های تصمیم تحت تأثیر فرایندهای ادراک و قضاوت قرار می‌گیرد.

اهمیت استفاده تصمیرگیرندگان از اطلاعات، بسیار حیاتی است. حسابداران به چگونگی پردازش اطلاعات از سوی تصمیرگیرندگان علاقه‌مند هستند، زیرا ممکن است بر درک و شناسایی اطلاعات مهم مؤثر باشد و پیامد آن، چگونگی اثر اطلاعات برگزیده‌های تصمیم آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرایندهای شناختی شامل موارد زیر است:

**ادراک:** فرایند ذهنی یا روانی است که گزینش و سازماندهی اطلاعات حسی و در نهایت معنا بخشیدن به آنها را به گونه‌ای فعال برعهده دارد.

**قضاوت:** این فرایند با توجه به سطح یادگیری تصمیم‌گیرنده، مستلزم تجزیه و تحلیل اطلاعات درک شده است. قضاوت یا تجزیه و تحلیل و تفسیر، نتیجه یا حاصل مجموعه‌ای از

فرایندهایی است که به وسیله آنها شخص اطلاعات را مرتب و در آنها تجدید نظر می‌کند. قضاوت تصمیرگیرندگان تعیین می‌کند که چه تصمیمی باید گرفته شود. در مرحله ادراک، یک تحلیل مقدماتی از اطلاعات به عمل می‌آید، پس از آن در مرحله قضاوت بر مبنای اطلاعات از صافی می‌گذرد و تحلیل عمیق‌تری روی آن صورت می‌پذیرد.

**تصمیم‌گیری:** فرایند تصمیم‌گیری مستلزم ادراک اطلاعات و قضاوت نسبت به آنهاست. ادراک برگزینۀ تصمیم اثر می‌گذارد. یعنی ممکن است تصمیرگیرندگان برای تصمیم‌گیری به اطلاعات مشابه قبلی اتکا کنند بدون آن که تحلیل عمیقی از اطلاعات ارائه شده داشته باشند. در این صورت تصمیم‌گیری بر مبنای ادراک و بدون قضاوت به عمل آمده است. اما برخی تصمیرگیرندگان پس از قضاوت نسبت به اطلاعات ادراک شده، تصمیم می‌گیرند. در واقع در این حالت، قضاوت تعیین‌کننده نوع تصمیم‌گیری است (مسیح آبادی، ۱۳۸۲).

در بیشتر روش‌های مرسوم در مسیر تدوین و ارائه نظریه‌های حسابداری، به مفروضات رفتاری و به‌ویژه رفتار استفاده‌کننده توجه نکرده‌اند.

## ۲-۱) معیارهای اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی

سه مورد از رایج‌ترین سبک‌های پردازش اطلاعات و مقیاس‌های اندازه‌گیری آن به شرح زیر است:

- ۱- تئوری شخصیت یونگ که از طریق شاخص شخصیت مایرز و بریگز (MBTI) سنجیده می‌شود؛
- ۲- الگوهای رایج افراد در تصمیم‌گیری که از طریق پرسشنامه عمومی سبک تصمیم‌گیری اسکات و براس (Scott and Bruce) اندازه‌گیری می‌شود؛
- ۳- کسب و استفاده اطلاعات به منظور یادگیری که از طریق پرسشنامه سبک یادگیری (LSI)<sup>۲</sup> کلب اندازه‌گیری می‌شود.

همچنین پرسشنامه تجربی-عقلانی (REI)<sup>۳</sup> پرسشنامه و ابزار جدیدی است که پسینی و اپستین (Pacini & Epstein 1999) برای اندازه‌گیری توانایی و شمول سبک‌های شهودی و عقلانی در پردازش اطلاعات

و بر مبنای نظریه خود تجربی شناختی آن را طراحی کرده‌اند.

## ۳-۱) تئوری خود تجربی-شناختی

تئوری خود تجربی-شناختی (CEST)<sup>۴</sup> معروف‌ترین نظریه‌ای است که طرفدار دو سیستم تعاملی و در عین حال موازی در پردازش اطلاعات است (Epstein et al, at).

تئوری خود تجربی-شناختی بین دو سیستم پردازش اطلاعات، یعنی سیستم منطقی پردازش اطلاعات به عنوان امری صریح و روشن، آگاهانه، عملی، تحلیلی و عاری از عاطفه و سیستم تجربی با عملکردی غیر صریح، خودکار، نیمه هشیار، جامع‌گرا و با عاطفه در پردازش اطلاعات، تمایز قائل است. بر طبق این تئوری، ویژگی‌های کار و تفاوت‌های فردی در سبک شناختی، تعیین‌کننده ترجیح یک سیستم پردازش اطلاعات بر سیستم دیگر است. بنابراین CEST نتیجه پژوهش‌های اولیه مبنی بر تأثیر پیچیدگی کار و شیوه تفکر بر

مؤثر بودن شیوه تصمیم را تقویت می‌کند (Simonton 1975). تفاوت‌های فردی در سبک شناختی بیانگر اولویت پردازش اطلاعات به صورت شهودی یا تحلیلی است.

## ۴-۱) نظریه طیف شناختی

امروزه به نظریه طیف شناختی<sup>۵</sup> (CCT) به عنوان یک نظریه قضاوت انسانی توجه گسترده‌ای شده است که چارچوبی برای شیوه‌گزینش تصمیم فراهم می‌سازد. نظریه طیف شناختی، نظریه‌ای برگرفته از قضاوت انسانی است که اعتقاد به رابطه‌ای پویا و تعاملی بین موجود زنده و محیط دارد. این نظریه شامل شناخت شهودی و تحلیلی است و به ویژگی محیطی که باعث انواع شناخت می‌شود، توجه دارد (Dunwoody, 2000). این نگرش در نظریه طیف شناختی از سوی هاموند مطرح شده است. این نظریه دو بخشی شدن یا نگرش به شهود و تحلیل را

اطلاعات حسابداری از نظر محتوا  
و شکل می‌تواند بر فرد تصمیم‌گیرنده  
اثر بگذارد و برای پژوهش به منظور  
بهبود سیستم‌های حسابداری و  
گزارشگری راه‌حل‌های زیادی ارائه  
می‌کند.

به عنوان دو شیوه شناخت، نمی‌پذیرد و از شیوه‌های شناختی به صورت یک طیف به همراه شهود و تحلیل در نقاط انتهایی طیف حمایت می‌کند. هاموند، قلمرو شناخت بین شناخت شهودی و تحلیلی در طیف شناختی را عقل سلیم می‌نامد. علاوه بر طیف شیوه‌های شناختی، نظریه طیف شناختی شامل طیف دومی به نام طیف کار نیز می‌شود. موقعیت طیف کار به اینکه کدام شیوه شناختی برای ویژگی‌های یک کار خاص لازم است، بستگی دارد و به همین دلیل توصیف‌کننده سیستمی از دو طیف است: یکی مربوط به استعدادهای شناختی فرد و دیگری مربوط به کار (یا وظیفه). اگر شیوه‌های تصمیم مطابق با کار یا موقعیت مورد نظر باشد، کارایی تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد.

## ۵-۱) کیفیت تصمیم‌گیری و تفاوت‌های فردی

عواملی که بر کیفیت تصمیم‌گیری مؤثر است، شامل روش

تصمیم‌گیری و ساختار اطلاعات است.

(Mock, Estrin, & Vasarhelyi 1972).

۱- روش تصمیم‌گیری: به روش‌های مختلف پردازش

اطلاعات اشاره دارد. تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای

روش‌های پردازش اطلاعات وجود دارد. از جمله،

ماتر مردم را به دو گروه تقسیم می‌کند: الف) افراد اهل

عمل یا مدیریتی که تجزیه و تحلیل‌های اولیه آنها بر مبنای

تفاوت‌ها یا تغییرات وضعیت است، ب) افراد متفکر و علمی

که قضاوت‌های آنان بر مبنای شباهت‌هایی که در مقایسه

وضعیت‌ها یا اهداف می‌یابند، پایه‌ریزی می‌شوند. مک‌کنی

و هیوزمن (Mckenney & Huysmans) تصمیم‌گیرندگان

را به تحلیلی و اکتشافی (شهودی) تفکیک می‌کنند. با توجه به

ویژگی‌های تحلیل و شهود که در قسمت

به‌کارگیری سیستم‌های جدید

حسابداری نیازمند توسعه مهارت‌های

ارتباطی جدید یا کانال‌های ارتباطی

جدید است که با اولویت‌های افراد

تفکری متناسب است.

قبل عنوان شد، روش تصمیم‌گیری

اکتشافی یا شهودی از طریق آزمون

و خطا، تجزیه و تحلیل حساسیت و

رفتار رضایت‌بخش انجام می‌پذیرد. در

مقابل، روش تصمیم‌گیری تحلیلی بر

ایجاد مدل، تحلیل‌های ریاضی و بهینه‌سازی تأکید دارد.

۲- ساختار اطلاعات: ساختار اطلاعات مجموعه مشخصی از

قوانین است که جمع‌آوری، اندازه‌گیری، پردازش و انتقال

داده‌ها را مشخص می‌کند. ساختارهای متنوع اطلاعات را

می‌توان با این قوانین مقایسه کرد تا تفاوت در زمان‌بندی،

میزان جزئیات یا نوع اطلاعات و قالب ارتباطها مشخص

شود. اگر این تفاوت‌ها بر تصمیم‌ها تأثیر بگذارند یا باعث

تغییر هزینه‌ها شوند، مؤثرتر خواهند بود.

اما اسمیت و مالکوم (Smith, Malcolm, 1999) کیفیت

تصمیم را تابعی از سرعت و دقت می‌دانند، اگر چه در متون

بر دقت بیشتر تأکید می‌شود. همچنین وسلی معتقد است که

کارایی قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی

به سه عامل بستگی دارد:

۱- شرایط عمل تصمیم؛

۲- محدودیت‌های پردازش اطلاعات، اهداف، دانش و

تفاوت‌های تصمیم‌گیرنده؛

۳- تأثیر متقابل وظیفه تصمیم و تصمیم‌گیرنده.

## ۲) روش رفتاری در حسابداری: ماهیت و اثرها

در بیشتر روش‌های مرسوم در مسیر تدوین و ارائه نظریه‌های

حسابداری، به مفروضات رفتاری و به‌ویژه رفتار استفاده‌کننده

توجه نکرده‌اند. در روش رفتاری برای تدوین نظریه‌های

حسابداری باید به مربوط بودن اطلاعات برای تصمیم‌گیری و

رفتار فردی و گروهی ناشی از ایجاد ارتباطات برقرار شده از طریق

این اطلاعات تأکید شود. با فرض عمل‌گرا بودن حسابداری ست،

هدف این است که به صورت مستقیم از طریق محتوای اطلاعاتی،

پیام ارسال شود و به صورت غیر مستقیم از

طریق رفتار حسابداران بر رفتار اثر بگذارد.

اگر از این دیدگاه به حسابداری نگاه کنیم،

فرایندی رفتاری است. کمپته محتوای

علوم رفتاری واحدهای درسی حسابداران

وابسته به انجمن حسابداری آمریکا در

خصوص هدف علوم رفتاری، دیدگاه زیر را ارائه می‌کند که می

توان آن را در مورد حسابداری رفتاری هم به کار برد:

هدف علوم رفتاری این است که بتوان رفتار انسان را درک

کرد، توضیح داد و پیش‌بینی کرد. یعنی می‌توان بر اساس مدارک

تجربی و به شیوه‌ای غیر شخصی از طریق رویه‌هایی که برای

بررسی به‌طور کامل در اختیار همگان، قرار می‌گیرد، درباره رفتار

انسانی آزمون‌هایی انجام داد، این آزمون‌ها را تکرار کرد و از

سوی اندیشمندان ذی‌نفع یا علاقه‌مند به تأیید رساند. بنابراین

علوم رفتاری نشان‌دهنده مشاهده منظم رفتار انسانی با هدف

تأیید مفروضات خاصی با مراجعه به تغییر در رفتار موضوع مورد

مشاهده است.

اطلاعات حسابداری از نظر محتوا و شکل می‌تواند بر

فرد تصمیم‌گیرنده اثر بگذارد و برای پژوهش به‌منظور بهبود

سیستم‌های حسابداری و گزارشگری راه‌حل‌های زیادی ارائه

می‌کند.

رفتار فرد به دو طریق تحت تأثیر اطلاعات قرار می‌گیرد:  
۱- از طریق استفاده از اطلاعات، هنگامی که فرد به عنوان گیرنده اطلاعات عمل می‌کند؛

۲- از طریق القای اطلاعات، هنگامی که شخص به عنوان دهنده پیام (اطلاع دهنده) عمل می‌کند.  
اگر چه اثر استفاده از اطلاعات امری شناخته شده است و آن را بخشی از الگوی محرک-واکنش می‌دانند، اما پدیده‌ای که به تازگی شناخته شده، «القای اطلاعات» است.

### ۱-۲) روش پردازش اطلاعات به وسیله انسان

افراد مختلف اطلاعات را به شیوه‌های متفاوتی به کار می‌گیرند. برخی افراد نسبت به دیگران قادر به درک و استفاده از اطلاعات پیچیده‌تری هستند. برخی دیگر اطلاعات عددی را ترجیح می‌دهند. برای مثال، آنچه یک فرد به طور ذهنی طبقه‌بندی می‌کند، دیگری ممکن است به عنوان عینی طبقه‌بندی کند. اگر تهیه کنندگان اطلاعات چگونگی شکل، ترتیب

**اطلاعات خیلی زیاد یا خیلی کم، کاربرد اطلاعات را برای یک تصمیم‌گیری خاص محدود می‌کنند. این موضوع موجب طرح بحث، نحوه شکل‌گیری و ترتیب اطلاعات می‌شود.**

و سطح تجمع اطلاعات را فراگیرند، بر تصمیم‌گیری آنان اثر خواهد گذاشت. در حال حاضر، اعتقاد همگان بر این است که انسان در برابر داده‌های فراوان واکنش خوبی نشان نمی‌دهد، زیرا در یک نقطه اشباع می‌شود. در نتیجه برخی اطلاعات نادیده گرفته می‌شوند، برخی بنا به تمایل یا راحتی تصمیم‌گیرنده انتخاب و برخی نیز تعدیل می‌شوند (Hirsch, Jr, Maurice L 1994).

تمایل به بهبود مجموعه اطلاعات ارائه شده به استفاده‌کنندگان از داده‌های مالی و توانایی بهره‌برداری از این اطلاعات، باعث شد که به روش پردازش انسانی اطلاعات توجه شود. نظریه‌ها و الگوهای موجود در روان‌شناسی برای پردازش اطلاعات به وسیله انسان ابزاری

عرضه کرد که می‌توان، بدان وسیله چالش‌های حسابداری را به چالش‌های پردازش اطلاعات عمومی تبدیل کرد.

### ۳) کاربردها و مفاهیم ضمنی تفاوت‌های فردی در حسابداری و حسابرسی

متغیرهای شخصیت دارای مفاهیم ضمنی و کاربردهایی در حسابداری و حسابرسی هستند: شواهدی در ارتباط با دو جنبه شخصیتی «تحمل در مقابل ابهام» و «تیپ‌های شخصیتی» مایرز و بریگز موجود است. «تحمل در مقابل ابهام» درجه رویارویی فرد با احساس ابهام را به هنگام قضاوت و تصمیم‌گیری اندازه‌گیری می‌کند. در حسابداری، این احساس زمانی رخ می‌دهد که داده‌ها از منابع مختلف، پیام‌های متناقض منعکس می‌کنند. کسانی که در مقابل ابهام کم تحمل‌اند، برای غلبه بر تردید خود اطلاعات بیشتری می‌طلبند. با وجود این ممکن است در مقایسه با افرادی که در مقابل ابهام تحمل زیادی دارند، نسبت به نتایج تصمیم خود اطمینان کمتری داشته باشند (Smith, Malcolm. 1999). ماهیت تفاوت‌های

بین ابعاد شخصیتی، دارای مفاهیم ضمنی برای کاربرد فنون حسابداری است:

۱- حرفه حسابداری در ارتباط با شخصیت‌های خاص بهتر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) مبانی نظری در پژوهش‌های انجام شده پیشنهاد می‌کند که افراد متفکر (دارای سبک شناخت تفکری) نسبت به افراد احساسی در کاربرد و ایجاد توسعه اطلاعات حسابداری موفق‌ترند؛

ب) ادارک‌های شهودی و حسی تأثیر عمده‌ای بر انتخاب شغل دارد.

۲- باین (Bayne 1995) بر اهمیت معیارهای عینی اطلاعات برای تصمیم‌گیری در افراد متفکر تأکید می‌کند.

۳- ماهیت حسابداری و حسابرسی یعنی کار کردن با ارقام، دقت و همچنین شیوه‌های سازمانی، بیشتر با نوع حسی هماهنگ است. حسابداران و حساب‌رسان تمایل دارند بر تجربیات کوتاه مدت متمرکز شوند و تأکید اصلی آنها این است که حقایق گردآوری شده ممکن است به‌طور مستقیم تغییر یابند. در نتیجه، افراد حسی به ندرت اشتباه می‌کنند و تمایل به انجام کارهای دقیق دارند. در حسابداری و حسابرسی، ترکیب افراد حسی و شهودی در مقایسه با سایر حرفه‌ها نامتناسب است، که نشان دهنده مهارت‌های تحلیلی و عملی بودن آن برای حسابداران و حساب‌رسان در محیط‌های عینی و واقعی است.

انواع شخصیت، دارای مفاهیم ضمنی زیر برای عملکرد سیستم‌های حسابداری است:

۱- به‌کارگیری سیستم کنترل مدیریت، با اولویت‌های افراد متفکر منطبق است. زیرا در بررسی وظایفی که به مرور زمان عادی می‌شود، عملکرد خوبی دارند. استانداردسازی و تبدیل که اغلب در حسابداری مشاهده می‌شود، با اولویت‌های افراد حسی مطابق است و افراد شهودی در این راستا می‌توانند مانع پیشرفت شوند.

۲- بکارگیری سیستم‌های جدید حسابداری نیازمند توسعه مهارت‌های ارتباطی جدید یا کانال‌های ارتباطی جدید است که با اولویت‌های افراد تفکری متناسب است.

سبک‌های شناخت استفاده‌کننده اطلاعات حسابداری و حسابرسی، مفاهیم ضمنی و کاربردهای زیر را دارند:

۱- شواهد مستدلی درخصوص دو جنبه از سبک‌های شناختی در متون حسابداری قابل ردیابی است: الف) مستقل از زمینه/وابسته به زمینه و ب) سبک پردازش تحلیلی/شهودی،

۲- یکی از ویژگی‌های مهم پردازش اطلاعات، سازگاری ارائه اطلاعات است. اوسبورن (Osborn 1987) معتقد است دو روش کاملاً متمایز برای ارائه اطلاعات وجود دارد:

۱- ارقام، در جایی که اطلاعات به‌طور مستقیم به صورت اعداد ارائه می‌شود؛ و

۲- آنالوگ، در جایی که اطلاعات در متن و یا در قالب یک تصویر بیان شود.

افراد تحلیلی در ارائه دیجیتال (در قالب ارقام و اعداد) و افراد شهودی در ارائه آنالوگی برتری دارند. برتری‌های افراد برای ارائه اطلاعات، ممکن است باعث بروز تضاد بین تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و حسابرسی شود:

۱- تهیه‌کنندگان اطلاعات حسابداری و حسابرسی ممکن است ارائه عددی اطلاعات را ترجیح دهند که دقیق است و نسبت‌ها را منعکس نمی‌کند.

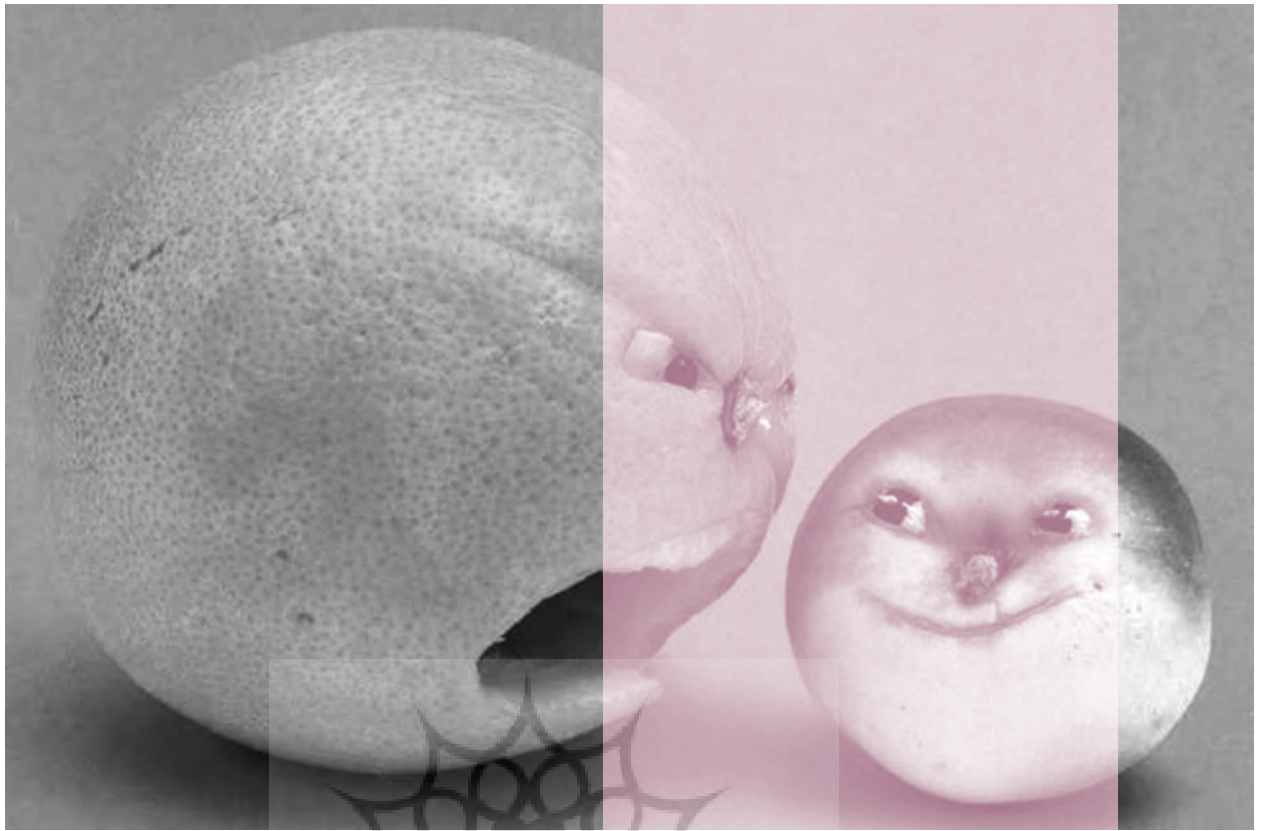
۲- تصمیم‌گیرندگان (شهودی) اطلاعات آنالوگی و گرافیکی را همراه با شرح روش‌ها ترجیح می‌دهند.

#### ۴) استفاده افراد از اطلاعات بر اساس

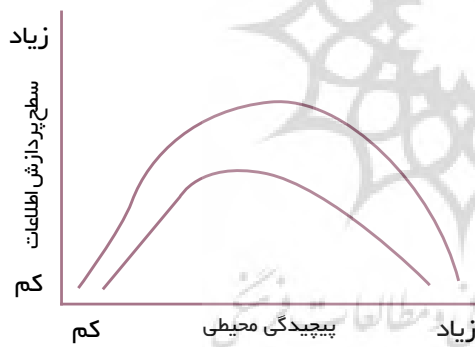
##### تفاوت‌های فردی

شرودر، درایور و استرافر (Schröder, Driver, & Streufert Theory) الگویی برای استفاده افراد از اطلاعات بر اساس تفاوت‌های فردی ارائه کردند. این مدل بیان می‌کند که افراد بر اساس الگوهای فردی از اطلاعات استفاده می‌کنند. در برخی از پژوهش‌های حسابداری این مدل برای تبیین تأثیر پردازش اطلاعات بر تصمیم‌گیری استفاده شده که تعدادی از آنها در بخش بررسی سابقه پژوهش‌ها تشریح شده است. آنان نشان دادند که با اضافه بار داده‌ها، کارایی پردازش اطلاعات از سوی افراد آن‌قدر افزایش می‌یابد تا به یک نقطه ماکزیمم می‌رسد. بعد از این نقطه است که کارایی پردازش کاهش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش اطلاعات، مقدار اطلاعاتی که به خروجی تصمیم منتهی می‌شود، افزایش می‌یابد. بنابراین غیر از برخی نقاط، افزایش اطلاعات به کاهش اطلاعات خروجی تصمیم می‌انجامد. این سطح از پردازش اطلاعات، مانند یک منحنی U وارونه است (نمایه ۴).

حجم اطلاعات، آن میزان از تغییرات مفهومی است که از طریق داده‌ها ایجاد می‌شود. درایور و ماک پیچیدگی مفهومی را به عنوان بار محیطی<sup>۷</sup> تعریف می‌کنند. درایور و ماک چنین



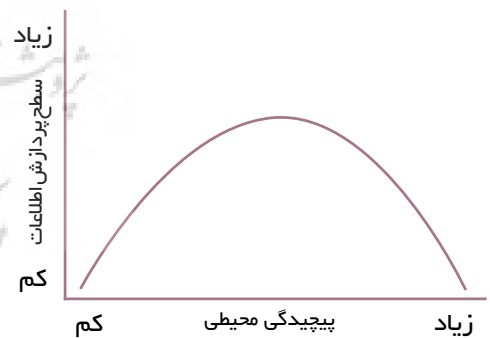
بیان کردند، «افراد .... با افزایش حجم اطلاعات تا یک نقطه، اطلاعات بیشتری در تصمیمات خود استفاده می کنند و بعد با اضافه بار (اشباع) اطلاعات مواجه می شوند که در فرایند پردازش، اطلاعات کمتری استفاده می کنند».



نمایه (۵) - تفاوت در توانایی پردازش اطلاعات

#### ۱-۴) اطلاعات و رفتار انسانی

اطلاعات برای استفاده کنندگان ارزشمند است، زیرا عده ای اطلاعات گوناگونی تهیه می کنند و برای تهیه اطلاعات، باید درباره محتوا، شکل، ترتیب، جمع و سطح پیچیدگی اطلاعات، به طور صریح قضاوت و تصمیم گیری کنند. حسابداران باید توجه داشته باشند، اطلاعاتی که استفاده کنندگان به کار می برند، باید به بهترین تصمیم ممکن در هر زمان منتهی شود. استفاده کنندگان چه اطلاعاتی را در نظر می گیرند؟ کدام یک ارتباط بیشتری



نمایه (۴) - منحنی U وارونه

شروودر و همکاران همچنین فرض کردند که توانایی پردازش اطلاعات در افراد مختلف متفاوت است. این مطلب در نمایه (۵)، به صورت افراد با سطح مفهومی بالا (سبک شناختی انتزاعی) و افراد با سطح مفهومی پایین (سبک شناختی عینی) نشان داده شده است.



دارد؟ چگونه از این اطلاعات استفاده می‌کنند؟ انتخاب اطلاعات به منفعت اطلاعات به دست آمده در مورد یک موضوع خاص و هزینه تحصیل این اطلاعات بستگی دارد. اینکه چه اطلاعاتی باید ارائه شود، به کسانی که مخاطب این اطلاعات هستند نیز، بستگی دارد. اطلاعات نیز موضوعی عینی نیست، بلکه به صورت پیامد و نتیجه ادراک فرد است. در واقع، اطلاعات ناشی از فعالیت‌های ذهنی افراد است.

در اینکه چه داده‌هایی جمع‌آوری شود، این داده‌ها چگونه تجزیه و تحلیل شوند و چطور به تصمیم‌گیرندگان ارائه شود، حسابداران نقش بسزایی دارند. عوامل دیگری مثل بهای تمام شده، قابلیت دسترسی و ساختار شخصیتی تهیه‌کننده اطلاعات، قسمتی از این فرایند انتخاب است. افراد مختلف تمایلات، مهارت‌ها و ساختارهای روانی بخصوصی دارند، که بر انتخاب آنان در مورد ارائه اطلاعات و استفاده از اطلاعات، تأثیر به‌سزایی دارد.

سؤال دیگر در این باره، آن است که آیا افزایش اطلاعات منجر به کاهش اثربخشی تصمیم‌گیری می‌شود. بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه بار (حجم) اطلاعات<sup>۸</sup> صورت گرفته، تجربی بوده و بر تأثیر بار اطلاعات بر عملکرد تصمیم‌گیری تمرکز داشته است. پژوهش‌ها و تألیف‌هایی وجود دارد که مسئله بار (حجم) اطلاعات را در حسابداری و اتخاذ تصمیمات مالی مورد توجه قرار داده است. اسپیک، گوردن و هاکا (Schick Gordon & Haka 1990) اشاره کردند که بار اطلاعات، در پژوهش‌های زیر به حسابداران کمک می‌کند:

۱- بار اطلاعات به کاهش اثربخشی تصمیم‌گیری اشاره دارد. از آنجا که حسابداران مهم‌ترین تهیه‌کنندگان اطلاعات به شمار می‌آیند، بار اطلاعات یکی از مفاهیم و موضوعات حسابداری است.

۲- حسابداران همچنین ممکن است استفاده‌کننده اطلاعات باشند (مانند رسالت آنان در جایگاه حسابرس)، در نتیجه

در معرض چالش‌های بار اطلاعات قرار می‌گیرند.

## ۲-۴) پیچیدگی شناخت و سبک‌های تصمیم‌گیری

پیچیدگی شناخت یکی از موضوع‌هایی است که در پردازش اطلاعات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در استفاده از اطلاعات برای تصمیم‌گیری، دو بعد از سوی چندین پژوهشگر (Driver & Mock 1975) پیشنهاد شده است. درایور و ماک این ابعاد را مقدار اطلاعات و درجه تمرکز نامیدند. شخصی که از حداقل مقدار اطلاعات استفاده می‌کند و بر آن تأکید دارد، راه‌حل‌های مربوط به یک مسئله را حذف می‌کند تا به یک راه‌حل برسد. از سوی دیگر، برخی افراد تمام اطلاعات مرتبط به دست آمده استفاده و به بررسی تجزیه و تحلیل‌ها و راه‌حل‌های گوناگون می‌پردازند.

درایور و ماک اصطلاح «سبک تصمیم» را برای توصیف ترکیب‌های ابعاد مقدار اطلاعات و درجه تمرکز به کار گرفتند (نمایه ۶) و چهار سبک تصمیم مطرح کردند که عبارت‌اند از: قطعی، انعطاف‌پذیر، سلسله‌مراتبی و کامل.

سبک تصمیم	مقدار اطلاعات	درجه تمرکز
قطعی <sup>۹</sup>	حداقل	یک راه حل
انعطاف‌پذیر <sup>۱۰</sup>	حداقل	چندین راه حل
سلسله‌مراتبی <sup>۱۱</sup>	حداکثر	یک راه حل
کامل <sup>۱۲</sup>	حداکثر	چندین راه حل

### نمایه (۶) - سبک‌های تصمیم

در صورتی که تصمیم‌گیرنده از حداقل اطلاعات استفاده و بر یک گزینه تصمیم‌گیرنده تمرکز کند، ممکن است تصمیماتی بگیرد که لزوماً بهینه نباشد. و اگر بر چندین گزینه تمرکز داشته باشد، اطلاعات محدودی برای انتخاب یکی از گزینه‌ها به‌کار می‌گیرد. اگر تصمیم‌گیرنده بتواند از حداکثر اطلاعات استفاده کند ولی تأکید و تمرکز وی بر یک راه‌حل باشد، از بین گزینه‌های مختلف، گزینه‌ای را که انتظار می‌رود بیشترین

منفعت را داشته باشد، انتخاب می‌کند. در پیچیده‌ترین سطح، فرد می‌تواند حداکثر اطلاعات را به‌کار گیرد و تصمیم‌ها و راه‌حل‌های متعددی انتخاب کند. تصمیم‌گیرندگان می‌توانند، از هر یک از این ترکیب‌ها (سبک‌ها) استفاده کنند. خوب یا بد بودن پیچیدگی، بستگی به موقعیت موجود دارد.

سبک تصمیم‌گیری قطعی، یک سطح مفهومی پایین و سطح تصمیم‌گیری کامل یک سطح مفهومی بالاست. خیلی مهم است که بدانیم، هیچ سبکی الزاماً بهتر از سایر سبک‌ها نیست.

### ۳-۴) محدودیت‌های شناختی

مدل‌هایی که برای حداکثر کردن مطلوبیت و کاربرد اطلاعات برای استفاده‌کنندگان به‌کار می‌روند بر اساس این فرض زیر بنایی انتخاب می‌شوند که تصمیم‌گیرنده شخصی اقتصادی است. یک شخص اقتصادی به دنبال حداکثر کردن منفعت مورد انتظار خود است. چنین شخصی فردی منطقی است که اطلاعات را به صورت کامل پردازش می‌کند. اما بیشتر افراد، اداری هستند. یک شخص اداری از عهده‌درک همه اطلاعات بر نمی‌آید و تنها بخش نتایج کلیدی و مهم را بررسی می‌کند. افراد اداری زودتر قانع می‌شوند و وقتی راه حلی منطقی پیدا می‌کنند، فوراً آن را می‌پذیرند و به دنبال بهترین راه حل یا راه حل بهینه نیستند. فرایند تصمیم‌گیری این افراد به سمت محدود کردن فرایندهای جست‌وجوی اطلاعات متمایل است. این افراد موقعیت‌های مشابه را جست‌وجو کرده و تصمیمات موجود را دائمی می‌دانند. بنابراین مدل‌های اولیه تصمیم‌گیری از تئوری اقتصادی

تصمیم‌گیرنده می‌تواند، همه گزینه‌های احتمالی را مقایسه، ارزیابی و آنها را طبق اولویت‌های خود طبقه‌بندی کند. (Savage, 1954)

### ۴-۴) ابعاد شخصیتی و نحوه ارائه اطلاعات حسابداری

در قسمت‌های قبل پردازش انسانی اطلاعات و ابعاد شناختی که می‌توانند، بر تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان موثر باشند، بررسی شد. این موارد می‌توانند مبنای سودمندی برای نگرش، حذف و ارائه اطلاعات باشند. برای مثال، اطلاعات خیلی زیاد یا خیلی کم، کاربرد اطلاعات را برای یک تصمیم‌گیری خاص محدود می‌کنند. این موضوع موجب طرح بحث، نحوه شکل‌گیری و ترتیب اطلاعات می‌شود.

**اطلاعات چگونه باید ارائه شود:** اطلاعات به روش‌های متفاوتی ارائه می‌شود برای مثال: ۱- به شکل نوشتاری؛ ۲- به صورت گزارش یا به صورت زنده (ویدیو یا پست الکترونیکی)؛ ۳- به صورت متن، کاربرد الکترونیکی و یا گرافیکی و... وقتی چگونگی ارائه اطلاعات تعیین شود، پرسش مهمی که پیش می‌آید، این است که با مشخص شدن استفاده‌کننده و نوع تصمیمی که اتخاذ می‌کند، چگونه می‌توان اطلاعاتی را ارائه داد که بیشترین کارایی را داشته باشند؟

**ترتیب و نظم اطلاعات:** با توجه به نوع تصمیم و استفاده‌کننده اطلاعات، بهترین ترتیب و نظم برای اطلاعات چیست؟ این پرسش همانند پرسش قبلی است. من خبری خوب و خبری بد دارم. می‌خواهید کدام را اول بشنوید؟ برخی چیزها ترتیبی منطقی دارند و ترتیب برخی چیزها را قوانین یا قواعد مشخص می‌کنند. برای مثال، صورت حساب

سود و زیان بر طبق اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP) با درآمد شروع و به سود یا زیان ختم می‌شود. در مواردی غیر از الزامات GAAP و سایر الزامات داخلی، حسابداران باید در مورد ترتیب اطلاعات قضاوت کنند. شواهدی در

**اگر ویژگی‌های شخصیتی دریافت کنندگان اطلاعات حسابداری در فرآیند تهیه اطلاعات حسابداری به حساب آیند، می‌توان امیدوار بود که استفاده از اطلاعات حسابداری کارا تر و مؤثر تر شود.**

کلاسیک منشاء گرفته است. این تئوری تصمیم‌گیرنده را یک عمل‌کننده منطقی در نظر می‌گیرد که تمایل دارد بر اساس قانون منفعت مورد انتظار، یعنی به حداکثر رساندن منفعت رفتار کند. فرض اساسی این تئوری آن است که

خصوص تأثیر ترتیب ارائه اطلاعات بر چگونگی استفاده آنها در دست است.

ترتیب و نظم بر درک همبستگی اطلاعات اثر می‌گذارد. اگر ابتدا نکات جزئی و کم اهمیت ارائه شود، دریافت کننده گزارش فرض می‌کند که گزارش نامربوط است. به همین دلیل برخی از تهیه کنندگان اطلاعات نکات مهم را در ابتدای گزارش به صورت خلاصه ارائه می‌دهند و سپس در متن گزارش آنها را منتشر می‌کنند. اکثر پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است از سبک‌های شناختی شهودی و تحلیلی و مستقل از زمینه/وابسته به زمینه استفاده کرده‌اند و نتایج، نشان دهنده تأثیرات اساسی آن بر پردازش اطلاعات‌اند. نتیجه برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ارتباطات نوشتاری بر تغییر نگرش حساب‌برسان وابسته به زمینه، نسبت به حساب‌برسان مستقل از زمینه، تأثیر بیشتری دارد (Birmingham A.S.G & H.B. Linton).

**سطح تجمیع اطلاعات:** تجمیع به چگونگی تشریح و خلاصه‌سازی مجموعه اطلاعات اشاره دارد. برای مثال، سود هر سهم یک رقم بسیار تجمعی و فهرستی از حساب‌های دریافتی، اطلاعاتی غیرتجمعی است. پیچیدگی شناختی گزارش‌های منتشر شده به نوع اطلاعات انتخاب شده و سطح تجمیع اطلاعات برگزیده مربوط است. تجمع اطلاعات در فرایند پردازش اطلاعات هم بر ورودی‌ها و هم بر خروجی‌ها مؤثر است. پژوهش‌های انجام شده رونین (Ronin)، هریش (Hirsch)، لیز (Iews) و بل (Bell) نشان می‌دهد که تجمیع اطلاعات بر درک افراد از اطلاعات و تصمیم‌های گرفته شده مؤثر است و به تصمیم‌گیری‌های غیربهبینه می‌انجامد.

## نتیجه‌گیری

مطالب مطرح شده در خصوص پیچیدگی شناختی نشان می‌دهد که افراد مختلف با ابعاد پیچیده متفاوتی روبه‌رو می‌شوند. تاریخ شخصی هر فرد گویای آن است که چطور با احساسات خود مواجه می‌شود، چه تصویری از خود و چه نیازهایی دارد،

این‌ها فقط ابعاد مختصری از شخصیت است. شخصیت افراد بستگی به چیزهایی دارد که در طول زندگی از والدین، معلمان و اطرافیان فرا می‌گیرند. افراد مهارت‌های ارتباطی گوناگونی دارند که آنان را فرا می‌گیرند و توسعه می‌بخشند. همه این عوامل و قسمتی از سبک‌های شناخت و شخصیت افراد بر چگونگی استفاده آنان از اطلاعات تأثیر دارد.

حسابداران باید بدانند که چه متغیرهایی بر استفاده آنها از اطلاعات تأثیر دارد تا هنگام انتخاب و پردازش اطلاعات بهترین گزینش را داشته باشند. از آن جایی که افراد اطلاعات را به شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند، اگر ویژگی‌های شخصیتی دریافت کنندگان اطلاعات حسابداری در فرآیند تهیه اطلاعات حسابداری به حساب آیند، می‌توان امیدوار بود که استفاده از اطلاعات حسابداری کاراتر و مؤثرتر شود.

برخی پژوهشگران بیان داشته‌اند که بین تصمیمات و ویژگی‌های شخصیتی تصمیم‌گیرندگان ارتباط وجود دارد (McGhee, W.H 1978). البته ممکن است تصمیم‌گیرندگان با ویژگی‌های شخصیتی مشابه و اطلاعات دریافتی مشابه، تصمیمات متفاوتی داشته باشند که دلیل آن ممکن است، ماهیت ابهام برانگیز اطلاعات حسابداری باشد. بنابراین باید ابتدا از انواع چالش‌ها و ابعادی که می‌تواند بر رفتار اثر بگذارد، شروع کرد. البته در حال حاضر هیچ مدل سودمند و روشنی در خصوص ترکیب این متغیرها ارائه نشده است و ممکن است هیچگاه چنین مدلی ارائه نشود. بنابراین آنچه اهمیت دارد، افزایش این قبیل پرسش‌هاست تا حدی که از این ابعاد و چگونگی تأثیر آنها بر استفاده از اطلاعات آگاه شویم.

همچنین می‌توان دریافت که چگونه افراد مختلف با ابعاد یکسان ولی بی‌شبهت با دیگران، می‌توانند در پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری موفق عمل کنند.

- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور
- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

- 1- General Decision Making Style (GDMS)
- 2-Learning Style Inventory (LSI)
- 3-Rational- Expeviential Inventory (REI)
- 4- Cognitive – Experiential Self Theory (CEST)
- 5- Cognitive Continuum Theory (CCT)
- 6- Human Information Processing (HIP)
- 7- Enviromental Load
- 8- Information Load
- 9-Decisive
- 10-Flexible
- 11-Hierarchic
- 12-Integrative

### منابع

- بلکویی، احمد ریاحی، **تئوری های حسابداری**، علی پارساییان، چاپ اول، دفتر پژوهش های فرهنگی تهران، ۱۳۸۱
- عرب مازار، محمد، ابوالقاسم مسیح آبادی، **ادراک اطلاعات حسابداری**، قضاوت نسبت به آنها و اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری، رساله دکتری رشته حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حسابداری و مدیریت، ۱۳۸۲
- مسیح آبادی، ابوالقاسم، اعظم پوریوسف، **سبک شناختی حسابرس**، تعدد نسبت های مالی و کیفیت اظهار نظر نسبت به تداوم فعالیت، رساله کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور، ۱۳۸۷
- Birmingham A.S.G, **Social Correlates of Field Articulation In Adolescent: the Effect On Productivity In the presence of other**, Doctoral Dissertation Hofstra University, Hempstead.
- Chan, Mike , M.K., **The Moderating Effects of Cognitive Style And Recency Effects on The Auditors Belief Reviion Process**, Managerial Auditing Journal, Vol 10, No 9, pp 22-28. 1995
- Hirsch, Jr, Maurice L. **Advanced Manegment Accounting**, International Thomson Publishing, Second Edition . 1994
- Kutschera, IDA., **Cognitive Style And Decision Making :Implication Of Intuitive And Analytical Information Processing For Decision**, Philosophy Doctoral Dissertation , University of Oregon, 2002
- Michaud, Stephane. **The Influence Information Processing Style on Decision Making Effectiveness**, Doctor of Philosophy Dissertation, The University of Akron, 2002
- Mock ,T.J., Estrin, T. Vasarhelyi ,M., **Learning Patterns, Decision Approach, And Value of Information**, Journal of Accounting , Supplement , PP 191-202, 1972
- Peters ,J.M. , **Decision Making , Cognitive Science and Accounting : an Overview of The Intersection**, Journal of Accounting . Organization Society , Volume 18, Issue 5 , PP 383-405. 1993
- Schoroder, HM, M.J Driver & S .Streifert, **Human Information Processing. Individuals And E Groups Functioning In Complex Social Situations**. New York: Holt, Rinehart and Winston Inc 1976
- Smith, Malcolm . **Personality issues and Their Impact on Accounting and Auditing**, Managerial Auditing Journal. 1999
- Wesley , Ralph , **an Empirical Investigation of the Effects of Cognitive Style and Decision Aids on Decision Maker Performance**, Doctoral Dissertation , 1994

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی